

مکمل القرآن

مکمل القرآن
جلد اول

تأليف و تحقیق
سید حسین حقانی



مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم

۱۳۹۰

ترجمه قرآن به ۹۴ زبان در جهان / (فارسی)، تالیف و تحقیق: سید حسین حقانی
۱۳۴۸

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم - مشهد مقدس - ۱۳۹۰

شابک: ۹۶۴-۶۸۴۵-۱۸-۵

(فارسی)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیها.

۱. قرآن - ترجمه‌ها - کتاب‌شناسی. الف. مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم. ب.

عنوان.

۰۱۶/۲۹۷۱۴

۷۷۸۳۵ / الف ۴

(۲۹۷/۱۴۰۱۶)

۸۳-۲۲۳۶۹

کتابخانه ملی ایران

۱۳۹۰

ناشر و بخش:

۰۹۱۵۹۰۶۸۳۸۶-۸۷



شناسنامه کتاب:

نام کتاب

ترجمه قرآن به ۹۴ زبان در جهان

تألیف و تحقیق

سید حسین حقانی

ناشر

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی خاتم

حروف نگاری و صفحه آرایی

واحد رایانه خاتم

ویرایش و بازخوانی

شورای بررسی خاتم

گرافیک

افق شرق

نوبت چاپ

اول ۱۳۹۰

شمارگان

۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی

دقت

شابک

۹۶۴-۶۸۴۵-۱۸-۵

ISBN:964-6845-18-5

قیمت

۲۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مندرجات

ردیف	مطالب	صفحه
۱	سر آغاز	۱۰
۲	پیشگفتار	۱۱
۳	قرآن برطرف کننده نیازهای علمی بشر	۱۲
۴	ارزش قرآن نزد مسلمانان	۱۳
۵	پژوهش و تفسیر قرآن	۱۴
۶	ترجمه و تفسیر قرآن	۱۵
۷	نظریات شیعینان در خصوص شرایط مترجم	۱۷
۸	اهمیت زبان فارسی	۱۹
۹	منابع زبان فارسی	۲۰
۱۰	زبان‌های ایرانی کهن	۲۱
۱۱	زبان مادی	۲۱
۱۲	پارسی باستان	۲۲
۱۳	اوستایی	۲۳
۱۴	زبان‌های ایرانی میانه	۲۳
۱۵	پارتی	۲۴
۱۶	مانوی	۲۴
۱۷	پارسی میانه	۲۵
۱۸	کتیبه‌های دوره ساسانی	۲۶
۱۹	کتاب‌های پهلوی	۲۶

فهرست مطالب

ردیف	مطالب	صفحه
۲۰	زبان سفدی	۲۶
۲۱	زبان ختنی	۲۸
۲۲	زبان خوارزمی	۲۸
۲۳	زبان‌های ایرانی کنونی	۲۹
۲۴	فارسی نو	۲۹
۲۵	آسی (استی)	۳۰
۲۶	بشتو (بختو)	۳۱
۲۷	بلوچی	۳۱
۲۸	کردی	۳۳
۲۹	عبدالمحمد آیتی	۳۶
۳۰	ابوالقاسم امامی	۳۶
۳۱	محمد باقر بهبودی	۳۶
۳۲	ابوالقاسم پاینده	۳۷
۳۳	پورجوادی	۳۸
۳۴	خرمشاهی	۳۸
۳۵	محمد خواجری	۳۹
۳۶	جمال خوانساری	۳۹
۳۷	زین العابدین رهنما	۴۰
۳۸	محمدحسین روحانی	۴۱
۳۹	سلیمان فارسی	۴۲
۴۰	شاه ولی‌الله دملوی	۴۴
۴۱	علی اکبر طاهری قزوینی	۴۵

فهرست مطالب

ردیف	مطالب	صفحه
۴۲	جلال‌الدین فارسی	۴۶
۴۳	فولادوند	۴۷
۴۴	علینقی فیض الاسلام	۵۱
۴۵	قدس / قرآن قدس	۵۲
۴۶	فروزانفر	۵۳
۴۷	قرآن ری	۵۳
۴۸	مهدی محی‌الدین الهی قمشه‌ای	۵۴
۴۹	محمد	۵۷
۵۰	مخدوم نوح	۵۷
۵۱	معادخواه	۵۸
۵۲	مکارم شیرازی	۵۸
۵۳	آسامی ASAMESE	۶۰
۵۴	آفریقایی AFRICAN	۶۰
۵۵	آفریکانس AFRICANC	۶۴
۵۶	آلبانی ALBANIAN	۶۵
۵۷	آلمانی GERMAN	۶۵
۵۸	اردو URDU	۶۷
۵۹	ارمنی ARMENIAN	۶۸
۶۰	ازبکی UZBEK	۶۹
۶۱	اسپانیایی SPANISH	۷۰
۶۲	اسپرانتو ESPERANTO	۷۰
۶۳	افغانی AFGHANI	۷۱
۶۴	امهری AMHARIC	۷۲

فهرست مطالب

ردیف	مطالب	صفحه
۶۵	اندونزیایی	INDONESIAN ۷۳
۶۶	انگلیسی	ENGLISH ۷۴
۶۷	اوگاندایی	UGANDAN ۷۶
۶۸	اویغوری	UIGHUR ۷۷
۶۹	ایرانونی	IERANON ۷۷
۷۰	ایکبو	IGBO ۷۷
۷۱	براهوئی	BRAHUI ۷۸
۷۲	برمه‌ای	BREMESE ۷۹
۷۳	بلتی	BALTI ۷۹
۷۴	بلغاری	BULGARIAN ۷۹
۷۵	بلوچی	BALOUCHI ۸۰
۷۶	بنگالی	BENGALI ۸۱
۷۷	بنگالی	BENGALESE ۸۲
۷۸	بوسنیایی	BOSNIAN ۸۵
۷۹	بوگینی	BOUGINI ۸۶
۸۰	پرتغالی	PORTUGUESE ۸۶
۸۱	پشتو	PASHTU ۸۶
۸۲	پنجابی	PANJABI ۸۷
۸۳	تاتاری	TARTARY ۸۷
۸۴	تاجیکی	TAJIK ۸۸
۸۵	تاسوک	TASOUG ۸۹
۸۶	تاگالوک	TAGALOUG ۸۹
۸۷	تامیل	TAMIL ۸۹

فهرست مطالب

ردیف	مطالب	صفحه
۸۸	تای	THAY ۹۱
۸۹	ترکی	TURKISH ۹۲
۹۰	ترکی آذری	AZARI ۹۳
۹۱	ترکمن	TURKAMEN ۹۴
۹۲	تلگو	TELUGU ۹۵
۹۳	جاوایی	JAVANESE ۹۶
۹۴	چک	CZECH ۹۷
۹۵	چینی	CHINESE ۹۸
۹۶	حبشی	ABYSSINIAN ۹۸
۹۷	دانمارکی	DANISH ۹۸
۹۸	روسی	RUSSIAN ۹۹
۹۹	رومانیایی	ROMANIAN ۱۰۳
۱۰۰	زنگباری	ZANGBARI ۱۰۶
۱۰۱	ژاپنی	JAPANESE ۱۰۶
۱۰۲	سانسکریت	SANSKRIT ۱۰۷
۱۰۳	سرائیکی	SIRAIKI ۱۰۷
۱۰۴	سندی	SINDHI ۱۰۸
۱۰۵	سواحلی	SWAHILI ۱۰۸
۱۰۶	سوئدی	SWEDISH ۱۱۰
۱۰۷	سومالی	SOMALI ۱۱۱
۱۰۸	سوندانی	SOUNDANI ۱۱۱
۱۰۹	سینهالی	SINHALESE ۱۱۲
۱۱۰	شونا	SHONA ۱۱۲

فهرست مطالب

ردیف	مطالب	صفحه
۱۱۱	صرب و کرواتی	۱۱۳
۱۱۲	عبری	۱۱۳
۱۱۳	فرانسوی	۱۱۳
۱۱۴	فنلاندی	۱۱۸
۱۱۵	فولفولد	۱۱۸
۱۱۶	فرقیزی	۱۱۹
۱۱۷	قزاقی	۱۱۹
۱۱۸	قشطلونی	۱۲۰
۱۱۹	کانمبو (درفوتاجالان)	۱۲۰
۱۲۰	کرنول	۱۲۰
۱۲۱	کردی	۱۲۱
۱۲۲	کره‌ای	۱۲۱
۱۲۳	کشمیری	۱۲۲
۱۲۴	کنادا (کنری)	۱۲۳
۱۲۵	کجراتی	۱۲۳
۱۲۶	لاتینی	۱۲۴
۱۲۷	لوگاندا	۱۲۹
۱۲۸	لهستانی	۱۳۰
۱۲۹	ماکاساری	۱۳۱
۱۳۰	مالاگاشی	۱۳۱
۱۳۱	مالی	۱۳۲
۱۳۲	مجاری	۱۳۲
۱۳۳	مراتی (مرتھی-مرتھی)	۱۳۳

فهرست مطالب

ردیف	مطالب	صفحه
۱۳۳	مرانائو MARANAO	۱۳۲
۱۳۵	ملیالم MALAYALA	۱۳۲
۱۳۶	مندۀ MENDE	۱۳۵
۱۳۷	نایروبی NAIROOBI	۱۳۶
۱۳۸	نروژی NORWEGIAN	۱۳۶
۱۳۹	وولوف WOLOUF	۱۳۷
۱۴۰	ویتنامی VIETNAMESE	۱۳۸
۱۴۱	هلندی NETHERLANDISH	۱۳۸
۱۴۲	هندی INDIAN	۱۳۹
۱۴۳	هوسا HAUSA	۱۳۹
۱۴۴	یوروبا YORUBA	۱۴۰
۱۴۵	یونانی GREEK	۱۴۱
۱۴۶	منابع و مآخذ	۱۴۲

سرآغاز گفتار نام خداست
که رحمتگر و مهربان خلق راست

بزرگ است یزدان که فرقان کتاب^۱
فرستاد بر عید خود بر صواب
که تا خلق را از یگانه خدا
بترساند و نیز روز جزا
خدائی که از اوست ملک جهان
بود مالک ارض و هفت آسمان
نه فرزند فرموده او اختیار
نه او را شریکی است در ملک یار
همه چیز مخلوق دست خداست
حدود همه چیز معلوم ماست

(امید = مجد)

خوانندگان محترم قبل از خواندن کتاب این پیشگفتار را
به دقت مطالعه نمایند.

ستایش مخصوص خدایی است که بر بنده خود [محمد(ص)] این کتاب بزرگ [قرآن] را نازل کرد. قرآن کریم که شریعت کامل پیامبر خاتم (ص) از طرف خدای متعال است برای هدایت و تکامل بندگان او نازل گردیده است؛ قرآن، موهبتی نجات دهنده است که باید در آن تدبیر و تأمل کرد. قرآن مجید، برترین و آخرین پیام خداوند و بزرگ‌ترین گوهر گرانبهای به جای مانده از پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) که سرچشمه جوشان معارف اسلامی و مدار و محور اتحاد تمامی مسلمانان است. این اقیانوس بی‌کران به ژرفای حقایق آن نمی‌توان رسید و شگفتی‌هایش را پایانی نیست، پا به پای زمان، همانند خورشید و ماه بر همه ملت‌ها در طول زمان می‌تابد و بر یکایک بیخ‌ها، گرایش‌ها، و کنش‌های هر ملتی، آیه یا آیاتی از آن انطباق می‌یابد و راه‌گشای انسان‌های تشنه حقیقت است. نخستین گام برای ورود به دریای بی‌کران قرآن و نوشیدن و نیوشیدن معارف حیات بخش آن،

شناخت دقیق این کتاب گرانسنگ است. آنان که قرآن را آن گونه که هست، نشناخته‌اند، آن گونه که باید، به آن ارج نمی‌نهند و چنانکه بایسته است از آن بهره نمی‌برند و به جای این که از انس با قرآن لذت ببرند، دل زده و خسته می‌شوند و سرانجام کارشان بدان جا می‌گشود که از آن جز زیان و گمراهی بهره‌ای نمی‌برند.

از میان راه‌های مختلفی که برای شناخت این کتاب بزرگ فراوی بشر قرار دارد، نزدیک‌ترین و بهترین راه، بهره‌گیری از بیانات نورانی خود قرآن است.

قرآن برطرف کننده نیازهای علمی بشر

قرآن، کتاب خدا و کتاب مردم است تا پایان جهان، و کلیه نیازهای عقیدتی، اخلاقی، عملی بشر و همه معارف الهی را دربر دارد و به گفته خود قرآن (تبیاناً لكل شیء) است. چنین کتابی به طور حتم دارای ابعاد وسیع و نامحدود است و به هر میزان راجع به آن کاوش و تحقیق و پژوهش به عمل آید مطلب به پایان نمی‌رسد و باز هم جای بحث در آن باقی می‌ماند. و به همین خاطر از صدر اسلام به خصوص از قرن دوم به بعد درباره لفظ

و معنا و تفسیر و تأویل و قرائت و تجوید و جمع و کتابت و رسم الخط و اعراب و مفردات و آیات و سور و سایر ابعاد این کتاب عظیم، محققان اسلامی مطلب نوشته‌اند و هنوز هم می‌نویسند و جا دارد که این کار ادامه یابد که قطعاً ادامه خواهد داشت.

ارزش قرآن نزد مسلمانان

قرآن کریم این معجزه جاودانه اسلام و کتاب حیات بخش آسمانی، از آغاز نزول تا کنون در میان مسلمانان از اهمیت و توجه خاص و فوق العاده‌ای برخوردار بوده است، وجود کتابهای فراوان تفسیر، لغات قرآن، معاجم، قاموس‌ها، علوم قرآنی، ادبیات قرآن، و... شاهد راستی این مدعا است.

با این همه نمی‌توان ادعا کرد که مسلمانان حق این کتاب مقدس آسمانی و برنامه‌ساز زندگی را ادا کرده باشند و تحقیقاً یکی از مهمترین عوامل داخلی انحطاط مسلمانان در این عصر عدم توجه صحیح و استفاده کامل و همه جانبه از قرآن می‌باشد.

بنابراین برای اعاده حیثیت و به دست آوردن عظمت و حیات مجدد اسلام و مسلمانان، باید به قرآن روی آورد و از حقایق بی‌انتهایش هرچه بیشتر بهره گرفت و این گنجینه الهی را دستورالعمل زندگی فرد و جامعه قرار داد.

پژوهش و تفسیر قرآن

پژوهش پیرامون قرآن و علوم قرآنی از آن جهت حائز اهمیت است که قرآن منبع معارف و دستورات زندگی انسان و در واقع کتاب انسان است. برای به ثمر رسیدن این نهال راهی جز با به کارگیری برنامه قرآن و عینیت یافتن آن در زندگی انسان وجود ندارد.

بدین لحاظ از یک سو کاوش پیرامون قرآن و علوم قرآنی در برداشتهای صحیح از آن امری بایسته است، از سوی دیگر کاوش پیرامون قرآن از ژرفای خاصی برخوردار است که رسیدن به آنها افزون بر قلب سلیم، تحقیق و پژوهش می‌طلبد.

ترجمه و تفسیر قرآن

از آغاز انتشار اسلام در سراسر جهان، نیاز مبرم به ترجمه و تفسیر قرآن برای تبلیغ اسلام و پیروی از آن احساس می‌شد. در میان اصحاب پیامبر اکرم (ص) افراد غیر عرب مانند سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی و یهودیان و مسیحیان تازه مسلمان مسلط به زبان‌های عربی و عبری بودند که احياناً پارودای از مفاهیم قرآن را برای هم‌زبان خود ترجمه و تفسیر می‌کردند.

اما از آنجا که ترجمه صحیح و مطلوب ترجمه‌ای است که مثل متن اصلی باشد و با آن برابری کند، مسلماً اگر تمام انسان‌ها جمع شوند تا چیزی مثل قرآن به زبان عربی یا غیر عربی ارائه دهند، هرگز نتوانند هر چند که پشت به پشت هم دهند (لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ). این مشکل بزرگ در برابر مسلمانان غیر عرب جهان همچنان باقی است که اگر بخواهند از ترجمه‌های قرآن استفاده کنند با ترجمه‌های بسیار ناقصی روبرو هستند؛ زیرا به قول

ایزوتسو، مترجم زبردست ژاپنی، آیات ترجمه شده حتی در بهترین صورتشان چیزی جز معادله‌های جزیی نیستند.

از طرفی اگر همین ترجمه‌های ناقص هم نباشند، بسیاری از مردم غیرعرب از تمام مطالب قرآن به کلی محروم خواهند بود. بنابراین آیا ترجمه قرآن به سایر زبان‌های جایز است یا نه؟

در طول تاریخ اسلام در دو نوبت بحث جنجال برانگیزی پیرامون مسأله ترجمه قرآن میان فقها و مفسرین و اندیشمندان اسلامی درگرفته است.

بعضی از موافقان مقصودشان از ترجمه، تفسیر قرآن به زبان عربی یا زبان غیرعربی و برخی منظورشان ترجمه معنوی یا تفسیری است نه ترجمه حرفی.

ترجمه و تفسیر کاری است علمی، هنری و فنی و گذشته از ذوق، هنر و تجربه نیاز مبرم به کارهای علمی-تحقیقاتی دارد که این تحقیقات در مورد ترجمه و تفسیر متون کهن، به خصوص قرآن کریم که دارای ظاهری زیبا و باطنی عمیق و پرمعنی است، ضرورت بیشتری دارد.

و به طور کلی کسی که به کار تفسیر می‌پردازد- باید دارای شرایط خاصی باشد. همچنانکه برای مترجم شرایطی است که باید در ترجمه آنها را رعایت کند. یوجین نایدا، کارشناس کتاب مقدس، در مورد شرایط مترجم می‌گوید (مترجم نه تنها باید محتوای آشکار پیام را بفهمد بلکه دقایق معانی را نیز باید درک کند. بار عاطفی واژه‌ها را دریابد و ظرایفی را که از حیث سبک (رنگ و بوی) پیام تعیین کرده است تشخیص دهد.

نظر دانشمندان در خصوص شرایط مترجم

از نظر دانشمندان علم ترجمه، دانستن علوم زیر برای انجام کار ترجمه ضروری است.

۱- تسلط به زبان و ادبیات سرزمین مادری و طوایف و ریزه کاری‌ها آن.

۲- فراگیری کامل زبان مردم با همه خصوصیات بالا، همچنین اگر مترجم دست اندرکار ترجمه متون ادبی باشد دانستن ضرب‌المثل‌ها ضروری است.

۳- در مورد ترجمه‌های علمی- دانستن اصطلاحات و لغات واژه‌های مربوطه.

۴- آشنایی با فرهنگ، آداب، تاریخ و جغرافیای مربوط به مردمی که به آن زبان بیگانه سخن می‌گویند.

۵- آشنایی با سبک شناسی و نقد اصول کلام و جز آن.

۶- در مواردی آشنایی با علوم جنسی نظیر جامعه‌شناسی و روانشناسی - باستان شناسی و جز آن .

خلاصه اینکه یک مترجم مسلمان که می‌خواهد قرآن ترجمه کند و یا قرآن را تفسیر کند باید دارای شناخت کامل و کلیدی و محوری و وجوه لغات و جایگاه معانی، زیباشناسی قوی، استفاده از روش پیامبر(ص) و ائمه(ص) که اسوه حسنه و ترجمان القرآن هستند و نیز سایر آیات گذشته الهی در کتاب آفرینش و توجه با ؟؟؟ ، تاریخ و جغرافیای تاریخی، قرآن از جمله فرهنگ شرایط ترجمه و تفسیر قرآن کریم می‌باشد.

چون بحث ما در این کتاب بحث ترجمه و زبان ملل مسلمان

که قرآن برای آنها ترجمه شده می‌باشد، از طرفی یکی از با

ارزش‌ترین زبان‌ها- زبان شیرین فارسی است و تفسیرها و ترجمه‌های زیادی در خصوص قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمانان به زبان فارسی انجام شده است.

بنابراین مناسب دانستیم برای آشنایی خوانندگان فارسی زبان، شرحی در این خصوص به رشته تحریر درآید.

اهمیت زبان فارسی

فارسی یکی از بزرگترین زبان‌های ایرانی است که امروزه به آن تکلم و کتابت می‌شود. در میان زبان‌های متعدد ایرانی، فارسی یگانه زبانی است که در قاره آسیا به مقام و نفوذی دست یافته که هیچ یک از زبان‌های دیگر ایرانی به آن نرسیده است.

وسعت آن از شمال شرقی به آسیای میانه و از مشرق به چین و از جنوب به تمام شبه قاره هندوستان و از مغرب به سراسر آسیای صغیر سرایت کرده، و قرن‌ها زبان ادبی و درباری هندوستان زبان فارسی بود.

هم اکنون زبان رسمی دو کشور ایران و افغانستان (که پشتو نیز زبان دیگر آن است) فارسی می باشد، و در کشورهای مجاور

مانند پاکستان، هندوستان، عراق (عرب)، تاجیکستان و قفقازیه (آذربایجان شوروی) به زبان فارسی کمابیش تکلم و کتابت می‌شود. ادبیات فارسی و مخصوصاً اشعار (عشقی و عرفانی) آن در میان ادبیات جهان رتبه‌ای شامخ دارد.

زبان فارسی در مطالعات ایران‌شناسی نیز مقامی بسیار برجسته و مهم دارد و در زمینه مطالعات کلی زبان‌شناسی، زبان مزبور خاصیت انعطاف و توسعه خود را، از نظر طول زمان و نوع زبان نشان داده است و آنچه از شکلهای قدیم وی به جای مانده قابل تجزیه و تحلیل بسیار است.

فارسی از نظر تأثیر در زبان‌های عربی، ترکی، اردو و زبان‌های اروپایی (فرانسوی، انگلیسی، رومی و غیره) نیز شایان توجه است.

۱ - منابع زبان فارسی

یک دسته مهم از زبانها به نام زبان‌های «هندو اروپایی» نامیده می‌شود، و آن شامل: گروه‌های هتی، هندو ایرانی یا آریایی، ارمنی، بالتی و اسلاوی، آلبانی و ونیزی و ایلیری، یونانی،

تراکی و فریژی، کلتی (سلتی)، لاتینی، تزاری، (اگنی و کوچی)، و ژرمنی است.

یکی از بخش‌های مهم زبان‌های هند و ایرانی (آریایی)، دسته زبان‌های ایرانی است که آنها را می‌توان برحسب مراحل تحول به سه دسته تقسیم کرد:

الف: زبان‌های ایرانی کهن.

ب: زبان‌های ایرانی میانه.

ج: زبان‌های ایرانی کنونی.

الف: زبان‌های ایرانی کهن - زبان‌های ایرانی کهن

زبان‌های زیر می‌باشد:

۱) مادی - زبان شاهان سلسله مادی و مردم مغرب و مرکز

ایران بوده است. از سال ۸۲۵ ق.م. به بعد در کتیبه‌های شاهان

آشور از مردم «ماد» نام برده شده و کلماتی از این زبان نیز در

زبان یونانی باقی مانده، ولی مأخذ عمده اطلاع ما از زبان مادی

کلمات و عباراتی است که در کتیبه‌های شاهان هخامنشی - که

جانشین شاهان مادی بودند - به جای مانده است، از جمله این

کلمات است: (شاه)، (بزرگ)، (باختر، بلخ)، (زرنج، سیستان)،

(همه)، (سنگ)، (مهر)، تشخیص مادی بودن این کلمات بر حسب قواعد زبان‌شناسی است.

۲) پارسی باستان - این زبان که فرس قدیم و فرس هخامنشی نیز خوانده شده، زبان مردم پارس و زبان رسمی ایران در دوره هخامنشیان بود، و آن با سنسکریت و اوستایی خویشاوندی نزدیک دارد. مهمترین مدارکی که از زبان پارسی باستان در دست است، کتیبه‌های شاهان هخامنشی است که قدیم‌ترین آنها متعلق به آریارمنه Ariyaramna پدر جد داریوش بزرگ (حدود ۶۱۰-۵۸۰ ق م) و تازه‌ترین آنها از اردشیر سوم (۲۵۸-۲۳۸ ق م) است. مهمترین و بزرگترین اثر از زبان مورد بحث کتیبه بغستان (بیستون) است که به امپراتور داریوش بر صخره بیستون (سر راه همدان به کرمانشاه) کنده شده. این کتیبه‌ها به خط میخی نوشته شده و از مجموع آنها قریب ۵۰۰ لغت به زبان پارسی باستان استخراج می‌شود. علاوه بر کتیبه‌ها تعدادی مهر و ظرف به دست آمده که بر آنها نیز کلماتی به پارسی باستان نقش شده است. منبع دیگر برای لغات این زبان اسامی خاص (اعلام) و

بعضی لغات پارسی باستان است که مورخان یونانی پس از تبدیل به زبان خود نقل کرده‌اند.

۲) اوستایی - زبان اوستایی زبان مردم قسمتی از نواحی مشرقی و شمال شرقی ایران بود و کتب مقدس دینی (اوستا) در ادوار مختلف به این زبان تألیف شده سروده‌های زردشت (قسمتی از کاتها) - که قدیمی‌ترین بخش اوستا محسوب می‌شود از لهجه کهن‌تری از زبان مورد بحث حکایت می‌کند. اوستا به خطی نوشته شده که به نام «خط اوستایی» یا «دین پیری» معروف است، و آن در اواخر دوره ساسانی (احتمالاً در حدود قرن ششم م.) از خط پهلوی استخراج و تکمیل گردیده است.

ب: زبان‌های ایرانی میانه - این زبانها فاصل بین زبان‌های کهن و زبان‌های کنونی ایران‌اند. دشوار می‌توان گفت که زبان‌های میانه از چه تاریخی آغاز شده‌اند، همان ایام رو به سادگی می‌رفته و اشتباهات دستوری این کتیبه‌ها ظاهراً حاکی از این است که رعایت قواعد از رواج افتاده بوده است. بنابراین مقدمه

ظهور پارسی میانه (پهلوی) را به اواخر دوره هخامنشی (حدود قرن چهارم ق.م) می‌توان منسوب داشت.

(۱) پارسی - قسمت عمده نوع اول کتیبه‌های شاهان متقدم ساسانی است که علاوه به زبان پارسی میانه به زبان پارسی هم نوشته شده (و گاه نیز به یونانی).

قدیمی‌ترین نوع این آثار اسنادی است که در اورامان کردستان به دست آمده است. (کتیبه «کال جنگال» نزدیک بیرجند نیز به احتمال قوی متعلق به دوره ساسانی است).

از مهمترین این آثار روایت پارسی کتیبه شاپور اول بر دیوار کعبه «زردشت» (نقش رستم) و کتیبه فرسی در «بایکولی» و کتیبه شاپور اول در حاجی آباد فارس است.

(۲) مانوی - آثار مانوی پارسی از جمله آثاری است که در اکتشافات اخیر آسیای مرکزی (تورفان) به دست آمده است. این آثار همه به خطی که معمول مانویان بوده و مقتبس از خط سریانی است نوشته شده و به خلاف خط پارسی هزوارش ندارد، و نیز به خلاف خط کتیبه‌های پارسی که صورت تاریخی دارد.

یعنی تلفظ قدیمی‌تری از تلفظ زمان تحریر را می‌نمایاند، حاکی از تلفظ زبان تحریر است.

این آثار را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: یکی آنهایی که در قرنهای سوم و چهارم میلادی نوشته شده و زبان پارتی اصیل است. دیگر آثاری که از قرن ششم به بعد نوشته شده و محتملاً پس از متروک شدن زبان پارتی برای رعایت سنت مذهبی به وجود آمده است (منون اثری که قطعاً بتوان به فاصله میان قرن چهارم و ششم منسوب دانست، به دست نیامده است).

نسخه ای که از آثار مانوی بدست آمده عموماً متأخر از تاریخ تألیف و متعلق به قرنهای هشتم و نهم میلادی است. در خط مانوی حرکات و حروف مصوت به صورت ناقص ادا شده است.

۲) پارسی میانه - از این زبان که صورت میانه پارسی باستان و پارسی کتونی است، و زبان رسمی ایران در دوره ساسانی بوده، آثار مختلف به جا مانده است که آنها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

(۱) کتیبه‌های دوره‌ساسانی که به خطی مقتبس از خط آرامی - ولی جدا از خط پارتی نوشته شده است.

مهمترین کتیبه زبان پهلوی کتیبه شاپور اول در کعبه زردشت (نقش رستم) است.

(۲) «کتاب‌های پهلوی» که بیشتر آنها آثار زردشتی است. خط این آثار دنباله خط کتیبه‌های پهلوی و صورت تحریری آن است. ما مدتها است که از وجود منابع زردشتی در کتابخانه‌های اروپا و نزد زردشتیان کنونی ایران و هندوستان آگاه هستیم. ولی تاکنون مشکلات عظیمی در راه حل آنها موجود بوده است. در این متون که به اصطلاح موسوم به مهن (پهلوی) زردشتی است. مطالب بسیاری راجع به پارسی قدیم موجود است که برای مطالعات ایران‌شناسی بسیار مهم است. زبانی که در آنها به کار رفته بس وسیع است.

(۳) زبان سغدی - این زبان در کشور سغد - که سمرقند و بخارا از مراکز آن بودند - رایج بوده است. زبان سغدی زبان بین‌المللی آسیای مرکزی به شمار می‌رفت و تا چین

نفوذ یافت. آثار سغدی هم از اکتشافات اخیر آسیای مرکزی و چین است. این آثار را می‌توان از چهار نوع شمرد:

آثار بودایی، آثار مانوی، آثار مسیحی، آثار غیردینی، از این میان آثار بودایی بیشتر است.

خط سغدی خطی است مقتبس از خط آرامی و در آن هزوارش بکار می‌رود اما عده این هزوارشها اندک است. همه آثار بودایی و همچنین آثار غیردینی و روایت سغدی کتیبه «قربلگسون» در مغولستان (متعلق به قرن سوم هجری و به سه خط چینی و اویغوری و سغدی) به این خط است.

آثار مسیحی به خط سریانی و آثار مانوی به خط مانویان نوشته شده است. میان آثار بودایی و مسیحی و مانوی مختصر تفاوتی از حیث زبان دیده می‌شود که محتملاً نتیجه تفاوت لهجه و تفاوت زمانی این آثار است.

۴) زبان ختنی - یکی از زبان‌های پارسی میانه که منابع بسیار از آن در دسترس ما می‌باشد زبانی است که سابقاً در سرزمین قدیم ختن - در جنوب شرقی کاشغر - به آن تکلم می‌شد.

لهجه‌ای نزدیک به ختنی، ولی با اختصاصاتی جداگانه، در منطقه «تمشق» در شمال شرقی کاشغر متداول بود. ولی از این زبان آثار بسیار کمی یافته شده و آنچه هم که موجود است کاملاً تفسیر و ترجمه نشده است. زبان ختنی دو شکل کاملاً متفاوت دارد؛ قدیم و متأخر. زبان ختنی قدیم دارای صرف و نحو بسیار پیچیده و دارای هفت حالت اسمی و حالات فعلی مفصل است.

(۵) زبان خوارزمی - زبان خوارزمی معمول خوارزم قدیم و واحه‌های مسیر سیلای رود جیحون بوده و ظاهراً تا حدود قرن هشتم هجری رواج داشته است و پس از آن جای خود را به زبان فارسی و زبان ترکی سهرده است.

کشف آثار زبان خوارزمی، گذشته از کلماتی که ابوریحان بیرونی در «آثارالباقیه» ذکر کرده، به کلی تازه است و از سال ۱۹۲۷ میلادی آغاز گردیده این آثار عبارت است از دو نسخه فقهی به زبان عربی که در آن عباراتی به زبان خوارزمی نوشته شده است. ولی مهمترین اثر زبان خوارزمی «مقدمة الادب»

زمخشری است که مشتمل بر لغات عربی و ترجمه خوارزمی آنها که در سال ۱۹۴۸ بدست آمده می باشد.

آثار خوارزمی همه به خط عربی نوشته شده ولی هنوز خواندن و تعبیر آنها پایان نیافته است.

ج: زبان‌های ایرانی کنونی - شامل زبان‌های زیر است:

۱) فارسی نو (دری) - این زبان مهمترین زبانها و لهجه‌های ایرانی است، و آن به‌باله فارسی میانه (پهلوی) و پارسی باستان است که از زبان قوم پارس سرچشمه می‌گیرد، و نماینده مهم دسته زبان‌های جنوب غربی است. از قرن سوم و چهارم به بعد این زبان را که پس از تشکیل دربارهای مشرق در عهد اسلامی به صورت رسمی درآمد به اسامی مختلف مانند: دری، پارسی دری، پارسی، فارسی خوانده‌اند این زبان چون جنبه درباری و اداری یافت. زبان شعر و نشر آن نواحی شد و اندک اندک شاعران و نویسندگان به این زبان شروع به شاعری و نویسندگی کردند و چندی نگذشت که استادان مسلمی مانند رودکی و دققی و فردوسی و کسایی و دیگران در قرن چهارم ظهور کردند. و به این

لهجه آثار گرانبها پدید آوردند و کتابهای بزرگ به تشر در همین لهجه پرداختند و منتشر کردند و بعد از آن که در نواحی دیگر ایران شاعران و نویسندگان خواستند به پارسی شعر گویند و کتاب بنویسند از همین لهجه آماده و مهیا که صورت یک زبان رسمی یافته بود استفاده کردند و با مطالعه دیوانها و کتبی که به آن لهجه فراهم آمده بود، خود را آماده گویندگی به آن لهجه ساختند.

۲) آسی (اسقی) - زبانی است که در قسمتی از نواحی کوهستانی قفقاز مرکزی رایج است و در آن دو لهجه مهم را - یکی «ایرون» و دیگری «دیگورون» می توان تشخیص داد. آنها یا آلانها که به نام آنان در تاریخ مکرر برمی خوریم، اصلاً از مشرق دریای خزر به این نواحی کوچ کرده اند و از این رو زبان آنان با زبان سغدی و خوارزمی ارتباط نزدیک دارد.

آسی درمیان زبان های ایرانی کنونی مقامی خاص دارد. این زبان یکی از زبان های بسیار معدودی است که زبان فارسی در

آن تقریباً نفوذی نیافته، و بسیاری از خواص زبان‌های کهن ایران را تاکنون محفوظ داشته است.

۳) پشتو (پختو) - این زبان، زبان محلی مشرق افغانستان و قسمتی از ساکنان مرزهای شمال غربی پاکستان است. هر چند زبان‌های فارسی و عربی در این زبان نفوذ یافته، پشتو بسیاری از خصوصیات اصیل زبان‌های ایرانی را حفظ کرده و خود لهجه‌های مختلف دارد مانند، وزیر، آفریدی، پیشاوری، قندهاری، غلزه‌ای، بلوچی و غیره. در پشتو هنوز تشخیص جنس (مذکر و مؤنث) و صرف اسامی رایج است.

زبان پشتو، پس از طی یک دوره طولانی که نزد تحصیل کردگان در محاق بود، در سالهای اخیر بیشتر در میان ملت افغان متداول و رایج شده و ادبیاتی پدید آورده است. از جمله دیوانهای شعری که به این زبان تصنیف شده دیوان خوشحال خان خٹک معاصر اورنگ زیب است.

۴) بلوچی - این زبان در قسمتی از بلوچستان و همچنین در بعضی نواحی ترکمنستان شوروی رایج است. در بلوچستان

علاوه بر بلوچی زبان دیگری نیز به نام «براهویی» متداول است که از جمله زبان‌های «دراوید» یعنی زبان بومیان هندوستان (قبل از نفوذ اقوام آریایی است).

بلوچی اصلاً از گروه شمالی زبان‌های غربی است، و بلوچ‌ها ظاهراً از شمال به جنوب کوچ کرده‌اند. ولی بلوچی به علت مجاورت با زبان‌های شرقی ایرانی بعضی از عوامل آنها را اقتباس کرده است (مانند *gis* = خانواده، *gwand* = کوتاه، *=gud* = جامعه، که نظایر آنها را تنها در زبان‌های شرقی ایران می‌توان یافت). همچنین بلوچی بعضی از لهجات براهویی و سفیدی را اقتباس کرده است.

زبان بلوچی لهجه‌های مختلف دارد که مهمترین آنها بلوچی غربی و بلوچی شرقی است که هر یک نیز تقسیمات فرعی دارد. اما روی هم رفته به علت ارتباط قبایل بلوچ با یکدیگر تفاوت میان این لهجات زیاد نیست.

۵) کردی - کردی نام عمومی یک دسته از زبان‌ها و لهجه‌هایی است که در نواحی کردنشین ترکیه و ایران و عراق رایج است.

بعضی از این زبانها را باید مستقل شمرد، چه تفاوت آنها با کردی (کرمانجی) بیش از آن است که بتوان آنها را با کردی پیوسته دانست. دو زبان مستقل از این نوع یکی «زازا» یا «دملی» است که به نواحی کردنشین غربی متعلق است. دیگری «گورانی» که در نواحی کردنشین جنوبی رایج است و خود لهجه‌های مختلف دارد. گورانی لهجه‌ایست که آثار مذهب «اهل حق» بدان نوشته شده و مانند زازا به شاخه شمالی دسته غربی تعلق دارد.

زبان کردی اخص را «کرمانجی» می‌نامند که خود لهجه‌های متعدد دارد مانند: مکری، سلیمانیه‌یی، سنندجی، کرمانشاهی، بایزیدی، عبادی، زندی.

زبان کردی با دسته شمالی لهجه‌های ایرانی غربی بعضی مشابهات دارد. و از زبان مهم دسته غربی به شمار می‌رود و

صاحب اشعار و تصانیف قصص و سنن ادبی است. هر چند کردی از حیث ساختمان مستقل است ولی زبان‌های اطراف یعنی فارسی و عربی و ترکی و ارمنی در آن تأثیر کرده‌اند و بسیاری از لغات آن مقتبس از این زبانها است.

www.ketab.ir